

تضایق و کثرت، منتهی شود و نقطه باین قضیه اگر دایره کند خط محیط را  
 که همل باشد میال محیط آن دایره و نقطه مذکور هر گز آن است  
 کند آن سطح صورت برادر کل دوره و آن دایره را قاعده مخروط  
 گویند و خط که همل باشد میان نقطه و مرکز قاعده آنرا سهم  
 مخروط گویند پس اگر آن سهم مخروط عمود باشد بر آن قاعده و  
 آن زمان آنرا مخروط مستقیم گویند و اگر آن عمود نباشد  
 بر قاعده پس او را مخروط مستقیم گویند و هر گز نصف میال  
 بر زوایا قائم نیست که زوایا که پیدا شود میان سهم مخروط  
 مذکور و هر خط مستقیم که خارج کند در سطح دایره بنماید از هر  
 جسمی آن زوایا قائم باشد **دلیل** نصف میال بر زوایا  
 قائم نیست که رسم کنیم بر مرکز دایره و یک کویک از مرکز این دایره  
 برابر قطر میسازیم و سطحی که محیط قاعده مخروط را بر محیط این دایره  
 کویک و باید داشت نصف میال بر مرکز دایره بنماید در آن  
 روز کند که آفتاب در اول درجه برج سرطان در آمده باشد که بنیات  
 درازی روز باشد قبل حصول آفتاب نصف النهار را بعد از زوال

برای این که نقطه شمال  
 در این خط باشد  
 در این خط باشد

الفوف

از نصف النهار و اگر اتفاق افتد که آفتاب در وقت غروب  
 در اول درجه برج حمل یا در اول درجه برج میزان در آمده باشد  
 این عمل نکوی تراید و می باید که میسازد آفتاب باشد که میاید در وقت  
 نصف النهار از نصف قطر دایره بنماید کمتر باشد تا میاید میسازد قبل  
 از زوال در دایره بنماید خارج شود و قیامیک بر به نظر ملل و مخرج او  
 علامت بنماید و قوسی که میان مخرج او واقع شد او را  
 نصفی گویند خواه آن قوس عظیم باشد یا صغیر پس از نصف  
 قوس خط مستقیم خارج کند که مرکز دایره بنماید خود کرده  
 محیط این دایره برسد آنرا خط نصف النهار و نصف الزوال نیز  
 گویند و طرف خط نصف النهار را که جانب شمال است آن طرف شمال  
 گویند و طرف دیگر آنرا طرف جنوب گویند و خط دیگر که تقاطع باشد  
 این خط نصف النهار را نیز میایا قویم او را خط مشرق و مغرب  
 گویند و طرفین خط را که سوی مشرق است نقطه مشرق  
 گویند و طرف دیگر که اوسوی مغرب است نقطه مغرب گویند  
 در این دایره که دایره بنماید شمال و جنوب دایره ارض می است

برای این که نقطه شمال  
 در این خط باشد  
 در این خط باشد